

بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



مختصر حقوق مدنی

مؤلف: دکتر محمد مهدی توکلی

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۶

- سرشناسه : توکلی، محمدمهدی، ۱۳۶۲ -
- عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
- عنوان و نام پدیدآور : مختصر حقوق مدنی/مؤلف محمدمهدی توکلی.
- مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۳۴۴ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۴۸-۹
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۳ (۲۵۸ ص).
- یادداشت : چاپ هفتم.
- موضوع : حقوق مدنی -- ایران
- موضوع : حقوق مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
- موضوع : حقوق مدنی -- ایران -- پرسشها و پاسخها (عالی)
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ م۳ ت/۵۰۰ KMH
- رده بندی دیویی : ۳۴۶/۵۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۰۸۶۵۳

- نام کتاب : مختصر حقوق مدنی
- ناشر : چتر دانش
- مؤلف : دکتر محمد مهدی توکلی
- نوبت و سال چاپ : سیزدهم - ۱۳۹۶
- شمارگان : ۲۰۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۴۸-۹
- قیمت : ۲۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَ إِبَاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أُوفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نَكْلِفُ نَفْساً أَلَّا وَسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أُوفُوا ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(سورة انعام- آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳)

ای پیامبر! بگو که بیا بید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما منع کرده، برایتان بگویم؛ این که چیزی را شریکش نسازید و به پدر و مادرتان نیکی کنید و فرزندانتان را از فقر نکشید که ما شما و آنها را روزی می‌دهیم و به زشتی‌ها، چه آشکارش و چه پنهانش، نزدیک نشوید و نفسی را که خداوند حرمت نهاده، جز به حق به قتل نرسانید. این آن چیزی است که خداوند شما را به آن خوانده است، تا بیندیشد و به مال یتیم جز بدان گونه که نیکوتر است، نزدیک نشوید تا به رشد برسد و پیمان‌ه و ترازو را به عدالت بسنجید. هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کنیم، و هنگامی که سخن می‌گویید عدالت بورزید هر چند که درباره خویشان‌تان باشد و به پیمان الهی استوار بمانید. این، آن چیزی است که خداوند شما را به آن فرامی‌خواند تا متذکر شوید. و بدانید که این، راه راست من است؛ پس، از آن پیروی کنید و به راه‌های دیگر نروید که شما را از راه خداوند دور می‌سازند. این، آن چیزی است که خداوند شما را به آن فرامی‌خواند تا پروا پیشه کنید.

۷.....	مقدمه مؤلف.....
۸.....	فصل اول: اشخاص
۸.....	مبحث اول: کلیات.....
۱۵.....	مبحث دوم: نام و نام خانوادگی.....
۲۰.....	مبحث سوم: اقامتگاه.....
۲۲.....	مبحث چهارم: غایب مفقودالاثر.....
۲۴.....	مبحث پنجم: حجر.....
۲۶.....	مبحث ششم: ولایت قهری.....
۲۸.....	مبحث هفتم: قیمومت.....
۳۱.....	مبحث هشتم: سرپرستی کودکان و نوجوانان.....
۳۶.....	مبحث نهم: اهدای جنین به زوجین نابارور.....
۳۷.....	مبحث دهم: شخص حقوقی.....
۳۹.....	فصل دوم: اموال و مالکیت
۳۹.....	مبحث اول: مال.....
۴۷.....	مبحث دوم: حقوق.....
۵۱.....	مبحث سوم: حق مالکیت.....
۵۷.....	مبحث چهارم: حق انتفاع.....
۶۲.....	مبحث پنجم: وقف.....
۷۲.....	مبحث ششم: حق ارتفاق.....
۷۵.....	مبحث هفتم: احکام مجاورت املاک.....
۷۹.....	فصل سوم: تعهدات قراردادی
۷۹.....	مبحث اول: کلیات.....
۸۳.....	مبحث دوم: اقسام عقود.....
۹۴.....	مبحث سوم: شرایط صحت عقد.....
۱۰۹.....	مبحث چهارم: اصول کلی حاکم بر معاملات.....
۱۱۴.....	مبحث پنجم: تعدیل قرارداد.....
۱۱۵.....	مبحث ششم: خسارات قراردادی.....
۱۲۲.....	مبحث هفتم: شروط ضمن عقد.....
۱۳۶.....	مبحث هشتم: عقود فضولی.....
۱۴۱.....	مبحث نهم: سقوط تعهدات.....
۱۵۴.....	فصل چهارم: ضمان قهری
۱۵۴.....	مبحث اول: کلیات.....
۱۵۹.....	مبحث دوم: غصب.....
۱۶۵.....	مبحث سوم: اتلاف و تسبیب.....
۱۷۰.....	مبحث چهارم: استیفا.....

۱۷۱	مبحث پنجم: چهره‌های خاص مسئولیت مدنی
۱۷۶	فصل پنجم: حقوق خانواده
۱۷۶	مبحث اول: کلیات عقد نکاح
۱۸۶	مبحث دوم: مهر
۱۹۱	مبحث سوم: تکالیف زوجین
۱۹۴	مبحث چهارم: انحلال عقد نکاح
۲۰۲	مبحث پنجم: عده
۲۰۴	مبحث ششم: نسب
۲۰۷	مبحث هفتم: حقوق والدین نسبت به فرزندان
۲۰۹	مبحث هشتم: نفقه‌ی اقارب
۲۱۲	فصل ششم: عقود معین (۱)
۲۱۲	مبحث اول: عقد بیع
۲۲۰	مبحث دوم: خيارات
۲۴۱	مبحث سوم: عقد معاوضه
۲۴۲	مبحث چهارم: عقد اجاره
۲۵۷	مبحث پنجم: عقد جعاله
۲۵۹	مبحث ششم: عقد قرض
۲۶۰	مبحث هفتم: عقد صلح
۲۶۳	فصل هفتم: عقود معین (۲)
۲۶۳	مبحث اول: عقد مزارعه
۲۶۶	مبحث دوم: عقد مساقات
۲۶۷	مبحث سوم: عقد مضاربه
۲۶۹	مبحث چهارم: شرکت
۲۷۶	مبحث پنجم: عقد ودیعه
۲۷۹	مبحث ششم: عقد عاریه
۲۸۱	مبحث هفتم: عقد وکالت
۲۸۸	مبحث هشتم: عقد ضمان
۲۹۵	مبحث نهم: عقد حواله
۲۹۷	مبحث دهم: عقد کفالت
۳۰۰	مبحث یازدهم: عقد رهن
۳۰۶	مبحث دوازدهم: عقد هبه
۳۰۹	مبحث سیزدهم: عقد استصناع
۳۱۰	فصل هشتم: اخذ به شُفعه، وصیت و ارث
۳۱۰	مبحث اول: اخذ به شُفعه
۳۱۶	مبحث دوم: وصیت
۳۲۶	مبحث سوم: ارث

مقدمه مؤلف

این مکتوب، دومین اثر از نوشته‌های سه‌گانه‌ی من است که در قالب مجموعه کتب مختصر حقوقی، به دانش‌پژوهان حقوق تقدیم شده است. کتاب اول را در حقوق تجارت نگاشتم و تحت عنوان «مختصر حقوق تجارت» به دانش‌پژوهان و رهروان عرصه‌ی حقوق و عدالت‌گستری تقدیم کردم. کتاب سوم را هم تحت عنوان «مختصر آیین دادرسی مدنی» تقدیم جامعه‌ی حقوقی نمودم. استقبالی که از این آثار به عمل آمد، نشان از عطشی داشت که در جامعه‌ی حقوقی کشورمان، نسبت به کتب مختصر و قانون‌محور جهت آموزش، بازآموزی و یادآوری سازماندهی‌شده‌ی حقوق وجود دارد. در این کتاب که به توفیق رفیق اعلی، ویرایش جدید آن فراروی خواننده‌ی عزیز قرار گرفته است، در پی آنم که حتی‌المقدور حلقه‌ی مفقوده‌ای را که از سالها پیش در بین منابع حقوقی حس می‌کردم، پر نمایم. این جای خالی ناشی از فقدان کتب «اختصار و بازآموزی» در میان منابع حقوقی است. در بین منابع حقوقی، از یک سو به منابعی استدلالی و تفصیلی برمی‌خوریم که در قالب مجلدات قطور و متعدد خودنمایی می‌کنند و از سوی دیگر با جزواتی دست‌نویس و ناخوانا یا کتبی ضعیف و ناکارآمد که در بین دانشجویان تکثیر و دست‌به‌دست می‌شود. در این میان جای کتبی که مطالب مهم هر درس حقوقی را به صورت جامع و کامل، اما تلخیص‌شده و مدون و منظم در خود گنجانده باشد، خالی است. البته نویسندگان و حقوق‌دانانی فاضل، کوشیده‌اند تا با نگارش کتب ماده‌محور و تنظیم شروح مختلف بر قوانین، این نقیصه را تا حدی جبران نمایند. اما چنین کتاب‌هایی، یک گره را هم چنان ناگشوده می‌گذارد و آن این است که به دلیل ماده‌محور بودن و شرح هر ماده به صورت جداگانه و ترتیبی، بار سنگین یافتن پیوند منطقی مواد قانونی و مطالب علمی مذکور در کتاب و حواشی و توضیحات مواد قانونی، بر دوش دانشجو و خواننده‌ی کتاب است و این روش گرچه برای محقق حقوق و وکیل و قاضی، روشی مأنوس و دلنشین است، اما برای دانشجویی که برای فهم مطلب یا بازآموزی و یادآوری، کتاب را مطالعه می‌کند، وقت‌گیر و مشکل است.

در این اثر سعی شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تبویب و سامان‌دهی شود که نظم منطقی مطالب به آشفتگی و سردرگمی بدل نشود. این کتاب برای آموزش حقوق مدنی به دانشجویان و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های وکالت و کارشناسی ارشد؛ همچنین تدریس در دوره‌های بازآموزی حقوقی و کلا و دیگر شاغلین مشاغل حقوقی، توصیه می‌شود.

در نگارش مطالب کتاب حاضر، کوشیدم تا سخن رسول گرامی‌مان را که فرمود «رحم الله امرأ عمل عملاً فاتقنه» چون چراغی، روشنایی بخش راهم قرار دهم تا دستیابی به هدفی که مد نظر من بود، میسر شود و اثری متقن و در خور بر جای گذارم. بی‌شک این کتاب هم مانند هر مکتوب بشری دیگری، عاری از نقص و کاستی نیست. امید دارم که صاحب‌نظران فرهیخته مرا از ریزبینی خود بی‌بهره نگذارده و آنچه را که در خور بیان دیدند، به آدرس پست الکترونیکی lawyer.tavakoli@gmail.com برای اینجانب ارسال دارند. در پایان لازم می‌دانم تا از همه دانشجویانی که بودن با آن‌ها مشوق من برای برداشتن گام‌هایی استوار در این مسیر بوده، تشکر و قدردانی نمایم.

دکتر محمد مهدی توکلی

فصل اول: اشخاص

مبحث اول: کلیات

- **شخص:** موجودی را گویند که قابلیت برخورداری از حقوق و تکالیف را دارد. شخص بر دو قسم است:
 ۱. **شخص حقیقی (طبیعی):** منظور افراد انسانی است.
 ۲. **شخص حقوقی (قانونی):** مجموعه‌ای از اشخاص یا اموال که شخصیت و نقش اجتماعی یافته و می‌تواند به عنوان یک واحد اجتماعی، مانند اشخاص حقیقی دارنده‌ی حق و تکلیف شود.
- **شخصیت:** قابلیت برخورداری از حقوق و تکالیف است.
- **وضعیت:** موقعیت یک شخص نسبت به حقوقی است که می‌تواند دارا باشد؛ به عبارت دیگر، مجموع اوصافی که آثاری حقوقی بر آن‌ها بار می‌شود مانند تابعیت، اقامتگاه، زوجیت، مرد یا زن بودن، قرابت نسبی و سببی و رضاعی، ولادت ناشی از ازدواج قانونی یا زنا و...
 - **اهلیت:** توانایی یک شخص برای برخورداری از یک حق یا انجام دادن یک کار را گویند.
 - **دارایی:** مجموع اموال، حقوق مالی و تکالیف مالی شخص را دارایی گویند. در خصوص دارایی باید به این موارد توجه داشت که:
 ۱. اموال و حقوق مالی را جزء مثبت و تکالیف مالی را جزء منفی دارایی گویند.
 ۲. دارایی جنبه‌ی مالی دارد. بنابراین حقوق و تکالیف غیرمالی در دارایی داخل نمی‌شود.
- **احوال شخصیه:** به آن دسته از اوصافی از یک شخص، احوال شخصیه گوئیم که دارای شرایط ذیل باشند:
 ۱. این اوصاف جنبه‌ی غیرمالی دارد.
 ۲. این اوصاف ناظر به یک شخص است، صرف‌نظر از شغل و مقام اجتماعی او.
 ۳. این اوصاف به دلیل غیرمالی بودن، قابل تقویم به پول نیست.
- **قلمرو احوال شخصیه:** احوال شخصیه، اموری مانند ازدواج، طلاق و نسب را دربرمی‌گیرد. در خصوص مصادیق احوال شخصیه اختلاف نظرهایی به شرح زیر دیده می‌شود:
 ۱. ارث و وصیت: در ماده ۷ قانون مدنی و در قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشریعه، حقوق ارثیه و وصیت در عرض احوال شخصیه درج شده است. یعنی ارث و وصیت در شمار احوال شخصیه دانسته نشده؛ ولی در اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، ارث و وصیت نیز در شمار احوال شخصیه دانسته شده است. در حال حاضر، باید ارث و وصیت را نیز در شمار احوال شخصیه دانست؛ زیرا از احکام احوال شخصیه تبعیت می‌کند.
 ۲. اهلیت: در ماده ۷ قانون مدنی، اهلیت در عرض احوال شخصیه دانسته شده و در زیرمجموعه احوال شخصیه درج نشده؛ اما باید اهلیت و حجر را نیز در شمار احوال شخصیه دانست.

۳. نسب، فرزندخواندگی و فسخ نکاح نیز گرچه در اصل ۱۲ قانون اساسی ذکر نشده؛ اما در شمار احوال شخصیه است؛ زیرا اگر نکاح و طلاق را در شمار احوال شخصیه بدانیم به طریق اولی این موارد نیز در شمار احوال شخصیه است.

● **قانون حاکم بر احوال شخصیه:** درخصوص قانون حاکم بر احوال شخصیه احکام ذیل قابل توجه است:

۱. ایرانیان هر جای جهان که زندگی کنند، از حیث احوال شخصیه تابع قانون ایرانند. (م ۶ ق.م)
۲. خارجیان مقیم ایران از حیث احوال شخصیه تابع قانون دولت متبوع خود هستند بنابراین احوال شخصیه علی‌الاصول پیرو تابعیت شخص است. (م ۷ ق.م)
۳. احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان در اصل ۱۲ قانون اساسی محترم دانسته شده، یعنی مسلمانان اهل سنت و زیدی، زرتشتیان، مسیحیان و کلیمیان، علی‌الاصول مشمول قواعد مذهبی ایشان است. (اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی)
۴. احوال شخصیه سایر ایرانیان اعم از ایرانیان شیعه یا ایرانیانی که معتقد به ادیانی غیر از ادیان فوق باشند، تابع قوانین جاری کشور است.

● **احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه:** احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه به نحو زیر اداره می‌شود: (قانون اجازه‌ی رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰)

۱. **نکاح و طلاق:** تابع قواعد مذهب شوهر است. فسخ نکاح نیز همین حکم را دارد. روابط خانوادگی فیما بین زوجین مانند مهریه، نفقه و اجرت‌المثل نیز تابع قواعد مذهب شوهر است.
- البته این قاعده یک استثنا دارد و آن در صورتی است که قرار باشد مرد غیرمسلمان و زن مسلمان ازدواج کنند. این ازدواج صرف‌نظر از قواعد مذهب شوهر، باطل است.
۲. **ارث و وصیت:** تابع قواعد مذهب متوفی است.
- البته این قاعده یک استثنا دارد و آن در صورتی است که متوفی غیرمسلمان و در بین وراث او شخص یا اشخاصی مسلمان باشند در این صورت تقسیم ترکه تابع قواعد مذهب متوفی نبوده و تمام ترکه طبق قانون مدنی به وارث یا وراث مسلمان می‌رسد.
۳. **فرزندخواندگی:** تابع قواعد مذهبی است که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.
۴. **اهلیت و حجر:** اهلیت و حجر ایشان تابع قواعد مذهبی ایشان نبوده و تابع قوانین جاری کشوری است.

● **آغاز شخص حقیقی:** آغاز شخص حقیقی به موجب تولد است. در این خصوص باید توجه داشت که:

۱. تولد به مرحله‌ای اطلاق می‌شود که جنین در حالی که دارای حیات است، از بدن مادر خارج شود.
۲. اگر شک کنیم که طفلی که مرده است، به صورت مرده از بدن مادر خارج شده یا آن که زنده خارج شده و سپس مرده است و نتوانیم با استفاده از دلایل و امارات این شک را برطرف کنیم، بنا بر این می‌گذاریم که مرده به دنیا آمده است. (م ۸۷۶ ق.م)
۳. ولادت جنین آزمایشگاهی زمانی است که جنین بتواند بدون وسایل آزمایشگاهی به حیات خود ادامه دهد.

● **اعلام ولادت:** اعلام ولادت دارای قواعد ذیل است:

۱. ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه طفل مزبور دارای تابعیت ایرانی باشد یا خیر، باید به ثبت احوال اعلام شود. (م ۱۲ قانون ثبت احوال)
۲. ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مأمور کنسولی و یا سازمان ثبت احوال کشور اعلام می‌شود. (م ۱۲ قانون ثبت احوال)
۳. هر یک از اشخاص زیر می‌توانند با مراجعه به ادارات ثبت احوال نسبت به اعلام ولادت و اخذ شناسنامه نوزاد اقدام نمایند. (م ۱۶ قانون ثبت احوال)
 - پدر یا جد پدری با ارائه شناسنامه
 - مادر در صورتی که ازدواج او قانوناً به ثبت رسیده باشد.
 - وصی یا قیم یا امین با ارائه مدارک ذریبط
 - متصدی یا نماینده‌ی مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است.
 - خود شخص، اگر سن او ۱۸ سال تمام به بالا باشد.
۴. اگر ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد، اعلام ولادت و امضای اسناد متفقاً بر عهده‌ی پدر و مادر خواهد بود. (تبصره م ۱۶ قانون ثبت احوال)
۵. ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای رسمی یا مؤسسه‌ای برسد که طفل در آنجا متولد شده است. در غیر این صورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می‌شود. (م ۱۵ قانون ثبت احوال)
۶. اگر طفل در مکانی نظیر ندامتگاه و کانون اصلاح تربیت متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه‌ی مخصوص باشد، متصدیان این سازمان‌ها مکلفند ولادت را به اداره‌ی ثبت احوال اعلام کنند و تسهیلات لازم را برای انجام وظایف صاحب واقعه جهت ثبت ولادت فراهم کنند. (تبصره م ۱۸ قانون ثبت احوال)

۷. ماما یا پزشکی که در حین ولادت حضور و در زایمان دخالت داشته، مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه از آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام است. (م ۱۹ قانون ثبت احوال)
۸. مهلت اعلام ولادت پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است؛ روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز جزء مهلت به حساب نمی‌آید. (تبصره م ۱۵ قانون ثبت احوال)
۹. در صورتی که ولادت در اثنای سفر زمینی یا هوایی یا دریایی رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می‌شود. (تبصره م ۱۵ قانون ثبت احوال)
۱۰. اگر ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد، باید هر دو برای اعلام ولادت و دریافت شناسنامه حاضر شوند. اگر اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابوبین که مراجعه می‌کند، با قید نام کوچک طرف غایب تنظیم خواهد شد. (تبصره م ۱۶ قانون ثبت احوال)
۱۱. در مواردی که ازدواج ثبت نشده، اگر مادر اعلام کننده باشد، نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود. (تبصره م ۱۶ قانون ثبت احوال)
۱۲. اگر ابوبین طفل معلوم نباشند، سند با نام خانوادگی آزاد و نام‌های فرضی در محل اسامی ابوبین تنظیم می‌شود. (م ۱۷ قانون ثبت احوال)
۱۳. در موارد فرضی بودن نام پدر و مادر، تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه یا حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی اصلاح خواهد شد. (م ۱۷ قانون ثبت احوال)
۱۴. موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه منعکس نخواهد شد. (م ۱۷ قانون ثبت احوال)

● **آغاز اهلیت تمتع:** در این خصوص باید توجه داشت که:

۱. اهلیت تمتع با ولادت آغاز می‌شود. (م ۹۵۶ ق.م)
۲. با این وجود در مواردی جنین قبل از ولادت نیز از برخی حقوق مدنی برخوردار می‌شود؛ ولی این حقوق مدنی در صورتی فعلیت می‌یابد که جنین زنده متولد شود. (م ۹۵۷ ق.م)

● **حقوق مدنی جنین:** جنین از حقوق مدنی زیر برخوردار است:

۱. جنین دارای حق حیات است و باید این حق محترم دانسته شود. سقط جنین ممنوع است و به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی، هم دیه و هم مجازات تعزیری دارد؛ مگر در سقط درمانی جنین.
۲. اگر یکی از اشخاصی که جنین از آن‌ها ارث می‌برد، مانند پدر وی فوت کند، جنین از وی ارث می‌برد. (م ۸۷۵ ق.م)

۳. می‌توان به نفع جنین وصیت کرد. (م ۸۵۱ ق.م.)
 ۴. می‌توان به نفع جنین مالی را حبس کرد.
 ۵. می‌توان به نفع جنین مالی را وقف کرد.
 ۶. می‌توان مالی را به جنین هبه کرد. ولی قهری او می‌تواند این هبه را قبول و مال را قبض کند.
 ۷. جنین می‌تواند خساراتی را که در دوره‌ی جنینی به وی وارد شده، بعد از ولادت مطالبه کند. فرض کنید شخصی برای سقط جنین دارویی می‌خورد و این دارو موجب سقط نشده، بلکه موجب نقص جسمانی جنین می‌شود. او می‌تواند دیه و خسارات وارده را دریافت کند.
- **سقط‌درمانی جنین:** سقط جنین در حقوق ما ممنوع است و به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی مستوجب پرداخت دیه و مجازات است؛ مگر آن‌که تمام شرایط ذیل با هم جمع باشد؛ که در این صورت سقط جنین مجاز است و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. این شرایط عبارتند از: (قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰)
 ۱. تشخیص قطعی سه پزشک متخصص
 ۲. تأیید پزشکی قانونی
 ۳. نگهداری جنین به علت عقباتدگی یا ناقص‌الخلقه بودن، موجب حرج مادر باشد یا با تهدید جانی مادر توأم باشد.
 ۴. قبل از ولوج روح (چهارماهگی جنین) باشد.
 ۵. زن راضی باشد.
 - **پایان شخص حقیقی:** پایان شخص حقیقی را موت نامیم. موت ممکن است به یکی از دو صورت ذیل باشد:
 ۱. **موت حقیقی:** توقف حیات شخص و مفارقت روح از بدن
 ۲. **موت فرضی:** فرض موت شخصی که غایب است و مدت بالنسبه مدیدی از آخرین خبری که از وی موجود است، گذشته باشد.
 - **مفهوم موت حقیقی:** درخصوص موت حقیقی باید توجه داشت که:
 ۱. مرگ قلبی یا همان توقف قلب به منزله‌ی موت حقیقی است.
 ۲. مرگ مغزی یا همان توقف مغز همراه با ادامه‌ی حرکت ضعیف قلب نیز در حقوق ایران به‌عنوان موت حقیقی تلقی شده است.
 - **تعریف و اوصاف مرگ مغزی:** درخصوص اوصاف مرگ مغزی نکات ذیل قابل توجه است:
 ۱. آسیب و تخریب غیرقابل جبران به نیمکره‌ها و ساقه‌ی مغز را مرگ مغزی گویند.

۲. قلب به دلیل خودکار بودن در صورت داشتن اکسیژن تا مدتی به کار خود ادامه می‌دهد، ولی یک دستگاه تنفس مصنوعی باید اکسیژن کافی را برای ادامه‌ی ضربان قلب فراهم کند. قلب بدون این کمک‌های مصنوعی از حرکت خواهد ایستاد. حتی با وجود همه‌ی این تجهیزات نیز قلب را تا مدت زیادی نمی‌توان زنده نگه داشت. این مدت ممکن است از چند ساعت تا چند روز طول بکشد.
۳. تفاوت مرگ مغزی و اغما (کُما) آن است که کُما به معنی کاهش اعمال مغز است؛ ولی مرگ مغزی، فقدان برگشت‌ناپذیر همه‌ی فعالیت‌های مغز است.
۴. در کُما احتمال برگشت هوشیاری وجود دارد، ولی در مرگ مغزی شانس برای بازگشت وجود ندارد.
۵. در کُما شخص ممکن است برای مدت طولانی زنده بماند و زندگی نباتی پیدا کند، ولی در مرگ مغزی، قلب فرد نیز حتماً بعد از چند ساعت یا نهایتاً چند روز متوقف خواهد شد.

● **شرایط پیوند عضو از اشخاص میت به اشخاص زنده:** شرایط پیوند عضو از اشخاص میت به اشخاص زنده به شرح ذیل است: (قانون پیوند اعضای بیماران فوت‌شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷)

۱. پیوند عضو فقط منحصر به اعضای بیماران متوفی یا بیمارانی است که مرگ مغزی آنان طبق نظر کارشناسان خبره مسلم باشد.
۲. پیوند عضو منوط به یکی از دوشرط وصیت بیمار یا موافقت ولی میت است.
۳. تشخیص مرگ مغزی توسط کارشناسان خبره در بیمارستان‌های مجهز وابسته به دانشگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد.
۴. کارشناسان مزبور با حکم وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مدت چهار سال منصوب می‌شوند.
۵. پزشکان عضو تیم از جهت جراحات وارده بر میت مشمول دیه نخواهند گردید.
۶. اعضای تیم‌های تشخیص مرگ مغزی نباید عضویت تیم‌های پیوندکننده را داشته باشند.

● **ممیزات اشخاص:** منظور اموری است که موجب تشخیص و تمیز یک شخص از دیگران می‌شود.

۱. در خصوص اشخاص حقیقی: این امور می‌تواند مواردی مانند نام، نام‌خانوادگی، اقامتگاه، اسناد سجلی، تابعیت، شماره شناسنامه، شماره ملی و ... باشند.
۲. در خصوص اشخاص حقوقی: این امور می‌تواند مواردی مانند نام، اقامتگاه، تابعیت و شماره ثبت باشند.